

The role of dialogue in social reform from the perspective of the Quran and Hadiths

Mostafa sharafi¹

1. 4th level student of Qom Seminary and psychology student of Imam Khomeini Institute (RA);
Email : Abdoalzahra213@gmail.com

ARTICLE INFO

ABSTRACT

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received August 15, 2024

Revised September 19, 2024

Accepted October 19, 2024

Publication December 09, 2024

Keywords:

Dialogue,
social reform,
Quranic principles,
Hadith principles,
good debate,
wisdom.

Dialogue, as a key communication tool in human societies, plays a fundamental role in strengthening social solidarity and resolving conflicts. This study provides a comparative analysis of Quranic and Hadith principles in the field of dialogue and social interactions and compares them with contemporary perspectives. Quranic principles such as "good debate", "justice and fairness", "free dialogue", "avoiding useless arguments" and "honesty", especially in Quranic verses such as verse 125 of Surah An-Nahl and verse 44 of Surah Taha, emphasize the use of wisdom, good preaching and gentleness. Hadith principles such as "honesty", "respect for human dignity" and "observance of politeness and gentleness" have also been introduced as strategies for establishing healthy human relationships in the face of social challenges.

In this analysis, these principles are adapted to contemporary perspectives such as the theories of "intercultural dialogue", "conflict management", "modern ethical theories" and "human rights". The results show that the teachings of the Quran and Hadith have significant practical applications in the contemporary world, especially in the field of conflict resolution, strengthening social

solidarity and improving intercultural relations. This research particularly emphasizes the importance of "dialogue based on knowledge and awareness" and "wise dialogue" as effective tools in facing social and cultural challenges. Hence, Islamic teachings can be used as practical strategies for social reform, promoting international relations and improving the quality of human interactions.

نقش گفت‌وگو در اصلاح اجتماعی از منظر قرآن و احادیث

مصطفی شرفی^۱

۱. مصطفی شرفی، طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی روانشناسی موسسه امام خمینی (ره):

Abdoalzahra213@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹ کلیدواژه: گفت‌وگو، اصلاح اجتماعی، اصول قرآنی، اصول حدیثی، جدال احسن، حکمت.	گفت‌وگو به عنوان یک ابزار ارتباطی کلیدی در جوامع انسانی، نقشی اساسی در تقویت همبستگی اجتماعی و حل تعارضات ایفا می‌کند. این پژوهش به تحلیل تطبیقی اصول قرآنی و حدیثی در زمینه گفت‌وگو و تعاملات اجتماعی پرداخته و آن‌ها را با دیدگاه‌های معاصر مقایسه می‌کند. اصول قرآنی مانند «مجادله احسن»، «عدالت و انصاف»، «گفت‌وگوی آزاد»، «پرهیز از جدال بی‌فایده» و «صداقت»، به‌ویژه در آیات قرآن مانند آیه ۱۲۵ سوره نحل و آیه ۴۴ سوره طه، بر استفاده از حکمت، موعظه حسنه و نرم‌خویی تأکید دارند. همچنین اصول حدیثی چون «صداقت»، «احترام به کرامت انسانی» و «رعایت ادب و نرم‌خویی» به عنوان راهکارهایی برای برقراری روابط انسانی سالم در مواجهه با چالش‌های اجتماعی معرفی شده‌اند. در این تحلیل، این اصول با دیدگاه‌های معاصر مانند نظریه‌های «گفت‌وگوی میان فرهنگی»، «مدیریت تعارض»، «نظریه‌های اخلاقی مدرن» و «حقوق بشر» تطبیق داده شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی و حدیثی به‌ویژه در زمینه حل تعارضات، تقویت همبستگی اجتماعی و بهبود روابط بین فرهنگی، در دنیای معاصر کاربردهای عملی قابل توجهی دارند. این پژوهش به‌ویژه بر اهمیت «گفت‌وگو بر مبنای علم و آگاهی» و «گفت‌وگوی حکیمانه» به عنوان ابزارهای کارآمد در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. از این رو، آموزه‌های اسلامی می‌توانند به عنوان راهبردهای عملی برای اصلاح اجتماعی، ارتقای روابط بین‌المللی و بهبود کیفیت تعاملات انسانی به کار روند.

گفت‌وگو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط انسانی، نقشی اساسی در ایجاد همبستگی اجتماعی و حل تعارضات ایفا می‌کند. در دنیای معاصر، که با چالش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مختلف مواجه است، استفاده از گفت‌وگوهای سازنده و محترمانه برای دستیابی به تفاهم و کاهش تنش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزه‌های دینی اسلام، به‌ویژه قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)، اصولی بنیادین و هدایتگر را در زمینه گفت‌وگو و تعاملات انسانی ارائه می‌دهند که می‌توانند به‌عنوان راهکارهایی عملی برای ارتقای روابط انسانی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

این مقاله به تحلیل تطبیقی اصول قرآنی و حدیثی در مورد گفت‌وگو و ارتباطات اجتماعی پرداخته و تلاش می‌کند تا این اصول را با دیدگاه‌های معاصر در نظریه‌های ارتباطی، مدیریت تعارضات و حقوق بشر مقایسه کند. اصولی مانند «مجادله احسن»، «صداقت»، «عدالت و انصاف»، «پرهیز از جدال بی‌فایده» و «گفت‌وگوی آزاد»، به‌ویژه در آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام)، تأکید بر استفاده از حکمت، احترام و نرم‌خویی در گفت‌وگو دارند. این اصول نه‌تنها به‌عنوان دستورالعمل‌های اخلاقی برای تعاملات فردی، بلکه به‌عنوان راهکارهایی عملی برای حل مشکلات اجتماعی و ارتقای همبستگی اجتماعی در جوامع مختلف معرفی می‌شوند.

روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل کیفی و تطبیقی است که به بررسی متون دینی (قرآن و احادیث) و مقایسه آن‌ها با دیدگاه‌های معاصر در حوزه‌های ارتباطات، حقوق بشر، و حل تعارضات می‌پردازد. داده‌ها از منابع معتبر قرآنی، تفاسیر و کتب حدیثی استخراج شده و سپس با استفاده از روش تطبیقی، با نظریه‌ها و مدل‌های معاصر مقایسه گردیده‌اند. در این راستا، پژوهش به‌طور خاص به تحلیل کاربردهای عملی این اصول در دنیای امروز و ارتباط آن‌ها با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد.

با توجه به اهمیت این آموزه‌ها در دنیای معاصر، در این مقاله تلاش شده است تا نشان داده شود که چگونه این اصول می‌توانند با دیدگاه‌های معاصر انطباق داشته باشند و در راستای حل تعارضات اجتماعی، تقویت همبستگی و مدیریت بحران‌های فرهنگی و دینی به

کار گرفته شوند. این تحلیل تطبیقی همچنین به بررسی کاربردهای عملی این اصول در مسائل روز جامعه پرداخته و اهمیت آنها را در بهبود روابط انسانی و کاهش تنش‌های اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات متعددی به بررسی نقش گفت‌وگو در اصلاح اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. با توجه به منابع دینی اسلام، مفهوم گفت‌وگو به عنوان یک ابزار کلیدی برای دعوت به حق، کاهش تعارضات و ایجاد عدالت اجتماعی شناخته شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بارها به اهمیت گفت‌وگو در آیات قرآنی پرداخته است. به ویژه در آیه ۱۲۵ سوره نحل «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، وی بیان می‌کند که این آیه سه اصل مهم برای گفت‌وگو را مشخص می‌کند: حکمت برای اهل علم، موعظه حسنه برای عموم مردم، و جدال احسن برای رفع شبهات. فخر رازی نیز در تفسیر کبیر تأکید می‌کند که گفت‌وگو باید از جدال بیهوده دور باشد و بر اصول منطقی و اخلاقی مبتنی باشد. وی در تحلیل آیه ۴۴ سوره طه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» نرم‌خویی را از عناصر مهم تعامل انسانی می‌داند.

در احادیث نیز اهمیت گفت‌وگو به وضوح مشاهده می‌شود. احادیث متعددی بر اهمیت انتخاب کلمات و احترام در گفت‌وگو تأکید دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱، ۱۳۵) که این حدیث اهمیت گفتار نیک و پرهیز از سخنان بیهوده را به روشنی بیان می‌کند. امام علی علیه السلام بارها به عدالت در گفتار و دوری از تعصب در قضاوت تأکید داشته‌اند. ایشان از پیامبر نقل می‌کنند: «ما كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷، ۱۴۰). که نشان می‌دهد گفت‌وگو باید متناسب با ظرفیت مخاطب باشد. امام رضا علیه السلام نیز در مناظرات خود با پیروان ادیان مختلف، روش‌های مختلفی از گفت‌وگوی عقلانی و استدلالی را به کار بردند. این مناظرات نمونه‌ای عالی از تعامل بر اساس حکمت و احترام است.

پژوهش‌های معاصر نیز به اهمیت گفت‌وگو از دیدگاه اسلامی پرداخته‌اند. در کتاب آزادی معنوی، شهید مرتضی مطهری به آزادی انتخاب و اهمیت گفت‌وگو برای رشد معنوی انسان پرداخته و تأکید کرده است که گفت‌وگو ابزاری برای هدایت عقلانی و اخلاقی است. سید قطب در کتاب فی ظلال القرآن مفهوم گفت‌وگو را در ارتباط با اصول اجتماعی و تربیتی اسلام بررسی کرده و بر این باور است که گفت‌وگو می‌تواند بستری برای ارتقای اخلاق و عدالت اجتماعی فراهم کند. آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیر تسنیم مفهوم گفت‌وگو را در قرآن کریم به‌عنوان ابزاری برای برقراری صلح و همزیستی مورد بررسی قرار داده و بر نقش آن در کاهش تنش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند.

پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، همچنین تحقیقات معاصر نشان می‌دهند که گفت‌وگو، از دیدگاه اسلام نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه یک راهبرد اصلاحی و تربیتی برای جوامع است. مطالعات پیشین به‌خوبی اهمیت اصولی همچون حکمت، نرم‌خویی، صداقت، و احترام به ظرفیت مخاطب را در گفت‌وگو نشان داده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا این مفاهیم را از منظر قرآن و احادیث بررسی کرده و کاربردهای آنها را در مسائل اجتماعی معاصر تحلیل کند.

روش تحقیق

این پژوهش از روش تحلیل کیفی و تطبیقی با تمرکز بر تحلیل محتوای متون دینی (قرآن و احادیث) استفاده می‌کند. روش تحقیق در این مطالعه بر پایه بررسی تفسیری و تحلیل متون اسلامی بوده و تلاش شده است تا اصول گفت‌وگو در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) شناسایی و تحلیل شود. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و هدف اصلی آن تحلیل محتوای آموزه‌های قرآنی و حدیثی در ارتباط با نقش گفت‌وگو در اصلاح اجتماعی است.

منابع اصلی این تحقیق عبارت‌اند از قرآن کریم به‌عنوان مرجع اصلی برای استخراج اصول و روش‌های گفت‌وگو، تفاسیری مانند المیزان نوشته علامه طباطبایی، مجمع البیان اثر شیخ طبرسی و فی ظلال القرآن نوشته سید قطب. همچنین، کتب حدیثی مانند الکافی، من لایحضره الفقیه، بحار الانوار، وسائل الشیعه و دیگر منابع اسلامی برای استخراج

روایات مرتبط استفاده شده است. در کنار این‌ها، مطالعات معاصر مانند کتاب آزادی معنوی اثر شهید مطهری و مقالات پژوهشی در زمینه ارتباطات و اصلاح اجتماعی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

شیوه جمع‌آوری داده‌ها شامل تحلیل تفسیری برای بررسی آیات مرتبط با گفت‌وگو مانند آیات ۱۲۵ سوره نحل، ۴۴ سوره طه، و ۱۸ سوره زمر، تحلیل محتوای احادیث برای شناسایی و دسته‌بندی روایات مرتبط با اصول اخلاقی و رفتاری در گفت‌وگو، و مطالعات کتابخانه‌ای برای استفاده از منابع اسلامی و پژوهش‌های پیشین است.

تکنیک‌های تحلیل داده‌ها شامل تحلیل محتوای کیفی برای شناسایی مفاهیم کلیدی مرتبط با گفت‌وگو (مانند حکمت، موعظه حسنه، جدال احسن) در متون قرآنی و حدیثی، مقایسه تطبیقی یافته‌های قرآنی و حدیثی با دیدگاه‌های معاصر برای تحلیل کاربرد آنها در مسائل اجتماعی، و استنباط معنایی برای استخراج پیام‌ها و راهبردهای عملی برای اصلاح اجتماعی بر پایه مفاهیم اسلامی است.

روش‌شناسی این پژوهش تلاش می‌کند تا با تحلیل دقیق متون دینی و منابع معتبر اسلامی، اصول و راهبردهای گفت‌وگو در اصلاح اجتماعی را شناسایی کرده و به مسائل معاصر ارتباط دهد.

۱ یافته‌های قرآنی و حدیثی پژوهش

الف: گفت‌وگو در قرآن کریم، اصول و روش‌ها

۱. دعوت به گفت‌وگوی حکیمانه و نیکو (مجادله احسن)

قرآن کریم روش گفت‌وگو و دعوت به دین را بر اساس سه اصل کلیدی حکمت، موعظه حسنه و مجادله احسن معرفی می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵).

علامه طباطبایی فرموده‌اند: «حکمت» به معنای استدلالی است که با عقل و منطق همراه باشد و جای شک و شبهه باقی نگذارد. «موعظه حسنه» یعنی دعوتی که محبت و دل‌سوزی را به مخاطب منتقل کند و دل او را نرم سازد. «مجادله احسن» نیز به معنای گفت‌وگویی است که در آن، ادب رعایت شده و از تمسخر و خشونت کلامی

پرهیز شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۲، ۳۷۶).

تفسیر المیزان در ذیل این آیه تأکید می‌کند که این روش‌ها باید متناسب با شخصیت، علم و جایگاه مخاطب انتخاب شوند. گفتگوی حکیمانه مخصوص اهل علم، موعظه حسنه برای عموم مردم و جدال احسن برای کسانی است که اهل بحث و جدل هستند (همان: ۱۲، ۳۴۴).

فخر رازی: تأکید می‌کند که استفاده از مجادله احسن برای کسانی است که تنها با گفت‌وگو و مباحثه به پذیرش حقیقت نزدیک می‌شوند، اما این مجادله باید عاری از کینه و جدال خصمانه باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۰، ۴۹).

سید قطب در کتاب «فی ظلال القرآن»: معتقد است که این آیه به پیامبر اسلام نشان می‌دهد که روش دعوت باید با درک تفاوت‌های فکری و روحی مخاطبان انتخاب شود. گاهی حکمت، گاهی پند اخلاقی و گاهی مجادله لازم است (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۴، ۲۳۲۴).

قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به‌طور مکرر بر گفتگوی حکیمانه و نیکو تأکید دارند. این نوع گفتگو، بر پایه احترام، منطق، محبت و دوری از خشونت یا تحقیر شکل می‌گیرد. بهره‌گیری از این اصل می‌تواند تعاملات انسانی را پربارتر کند و زمینه‌ساز هدایت و رشد اخلاقی افراد باشد.

۲. اصل رعایت عدالت و انصاف

در گفت‌وگو، قرآن بر رعایت عدالت تأکید کرده است، حتی اگر به ضرر خود یا نزدیکان باشد:

«وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲).

طبری در جامع‌البیان می‌گوید: این آیه به مؤمنان یادآوری می‌کند که شهادت در گفت‌وگو و قضاوت باید تنها بر اساس حق باشد و هیچ‌گونه تعصبی در آن دخیل نباشد، حتی اگر به ضرر خود یا نزدیکان باشد (طبری، ۱۹۹۲م: ۸، ۲۴۳).

زمخشری در الکشاف می‌نویسد: رعایت قسط و انصاف را شرط اساسی پذیرش حقیقت در گفت‌وگو می‌داند. او تأکید می‌کند که بدون عدالت، گفت‌وگو به نزاع و لجابت تبدیل می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱، ۳۴۵).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که این اصل به‌ویژه در بحث‌های دینی و عقیدتی اهمیت دارد، زیرا تعصب و پیش‌داوری می‌تواند مانع از کشف حقیقت

شود (مکارم، ۱۴۲۲ق: ۴، ۱۲۶).

۳. گفت‌وگوی آزاد و احترام به آزادی بیان

آزادی در انتخاب عقیده و بیان نظر از اصولی است که قرآن تأکید زیادی بر آن دارد: «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (کهف: ۲۹). علامه طباطبایی می‌فرماید: این آیه نشان‌دهنده اصل آزادی اراده در اسلام است. انسان باید با اختیار و انتخاب آگاهانه، مسیر حق را انتخاب کند. این آزادی نباید با اجبار در گفت‌وگو نقض شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۲، ۲۵۶). آیت‌الله مطهری تأکید دارد که آزادی در بیان نظر و عقیده، پایه‌ای برای رشد فکری انسان است و قرآن کریم این حق را محترم می‌شمارد (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۴). فخر رازی اشاره می‌کند که آزادی بیان در قرآن به معنای نفی اجبار در دین است، اما در عین حال پیام حق باید با استدلال به مخاطب عرضه شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۵، ۸۶).

۴. شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین آنها

قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد سخنان گوناگون را بشنوند و بهترین را انتخاب کنند: «الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸). طبرسی: این آیه را دعوتی به اندیشیدن و انتخاب آگاهانه می‌داند. احسن القول در اینجا به معنای سخنانی است که بر پایه حق و منطق استوار باشد (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۸، ۳۱۱). سید قطب این آیه را ستایش خردورزی می‌داند و معتقد است که قرآن، افراد متفکر را تشویق به شنیدن نظرات مختلف و پیروی از بهترین آنها می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۵، ۲۷۸۸). علامه طباطبایی: انتخاب بهترین سخن، نیازمند تعقل، انصاف، و دوری از تعصب است. این اصل از انسان‌ها می‌خواهد در مواجهه با افکار مخالف، پذیرای حقیقت باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۷، ۲۵۰).

۵. تکیه بر استدلال منطقی و عقلی

قرآن به مخاطبان خود می‌گوید هر ادعایی باید با دلیل و منطق همراه باشد: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱). زمخشری این آیه را تأکیدی بر ضرورت ارائه برهان در ادعاهای دینی می‌داند و اینکه

گفت‌وگو باید بر پایه استدلال باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱، ۲۱۵).

فخر رازی: معتقد است که این اصل، مانعی در برابر جدال‌های بیهوده است و مخاطب را وادار می‌کند تا حقیقت را بر اساس دلیل بپذیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳، ۱۹۹).

مکارم شیرازی: تأکید می‌کند که قرآن با این روش، مباحثه را به عرصه‌ای عقلانی و سازنده تبدیل می‌کند (مکارم، ۱۴۲۲ق: ۱، ۴۲۱).

۶. پرهیز از جدال بی‌فایده

قرآن کریم به دوری از جدال بیهوده تأکید کرده و به ادب در گفت‌وگو فرمان می‌دهد: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت: ۴۶).

علامه طباطبائی: این آیه نشان می‌دهد که هدف از مجادله، نباید غلبه بر دیگری باشد، بلکه باید حقیقت‌جویی و اقناع منطقی باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۶، ۱۹۶).

طبرسی تأکید می‌کند که «جدال احسن» در این آیه به معنای رعایت احترام و دوری از توهین به مقدسات دیگران است. او معتقد است که گفت‌وگو باید با هدف نزدیک شدن به حقیقت و رفع شبهات باشد، نه نزاع و مشاجره (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۷، ۳۳۸). سید قطب: این آیه را الگویی می‌داند برای کسانی که با دیگر ادیان وارد گفت‌وگو می‌شوند. او تأکید دارد که رفتار نرم و مجادله‌سازنده، نشانه برتری فکری و اخلاقی مسلمانان است (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۴، ۲۱۹۰).

۷. پرهیز از توهین و تمسخر

قرآن از تمسخر و اهانت به مقدسات دیگران به شدت منع کرده است:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (انعام: ۱۰۸).

طبری می‌گوید: که این آیه دستور می‌دهد مسلمانان از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز و توهین به خدایان مشرکان پرهیزند، زیرا چنین رفتاری می‌تواند واکنش‌های خصمانه‌ای ایجاد کند و باعث تخریب فضای گفت‌وگو شود (طبری، ۱۹۹۲م: ۷، ۴۲۱).

علامه طباطبائی: این آیه را یادآور لزوم رعایت کرامت انسانی حتی در مواجهه با کسانی می‌داند که عقایدشان اشتباه است. او می‌گوید توهین و تمسخر نه تنها اثر تربیتی ندارد، بلکه باعث لجابت و افزایش دشمنی می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۷، ۳۲۱).

سید قطب معتقد است که اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که پیروانش از توهین به

باورهای دیگران استفاده کنند، زیرا چنین رفتاری مخالف با اصول اخلاقی و کرامت انسانی است (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۲، ۱۷۶).

«قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (۵ و ۸ نساء)

واژه «معروف» به معنای نیکو، پسندیده و متناسب با اصول اخلاقی است. علامه طباطبایی در المیزان بیان می‌کند که «قول معروف» در این آیه نشان‌دهنده روشی اخلاقی است که از تحقیر یا آزار روحی مخاطب جلوگیری می‌کند و به ایجاد همدلی منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴، ذیل آیه).

«قول معروف» در این آیه نشان می‌دهد که گفتار نباید تنها بیان‌کننده حقیقت باشد، بلکه باید با درک شرایط روحی و روانی مخاطب همراه شود. شیخ طبرسی در مجمع البیان تصریح می‌کند که این آیه مؤمنان را به دقت در انتخاب کلمات و پرهیز از گفتاری که باعث آزار یا تحقیر مخاطب شود، دعوت می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲، ۳۴). این آیه نشان می‌دهد که گفتار، ابزار قدرتمندی برای ایجاد همدلی، کاهش تنش و تقویت روابط انسانی است. اصل «قول معروف» در گفتگوهای روزمره، به‌ویژه در شرایطی که مخاطب دچار ضعف یا نیاز است، نقشی کلیدی در ساختار اخلاقی جامعه ایفا می‌کند.

۸. صداقت و پرهیز از دروغ

آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۳۰) یکی از آیات کلیدی در تبیین اصول اخلاقی و ارتباطات قرآن است. این آیه به پرهیز از قول زور، به معنای سخن دروغ، شهادت ناحق و هر نوع سخن انحرافی و گمراه‌کننده، توصیه می‌کند.

علامه طباطبایی: صداقت در گفتار و رفتار یکی از اصول مهم اخلاقی است که اعتماد مخاطب را جلب کرده و گفت‌وگو را مؤثر می‌سازد. او می‌گوید که بدون صداقت، مباحثات معنای خود را از دست می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹، ۳۴۱). ایشان می‌فرماید: قول زور شامل هر نوع سخن ناحقی است که موجب ظلم یا انحراف در حق دیگران می‌شود، و این اصل برای سلامت اجتماعی ضروری است (همان).

طبرسی: معتقد است که صداقت، دروازه‌ای برای گسترش حقیقت در گفت‌وگوها است (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۵، ۱۲۷).

فخر رازی: می‌گوید دروغ، نه تنها گفت‌وگو را بی‌اثر می‌کند، بلکه اعتماد میان طرفین

را نیز از بین می‌برد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۱، ۲۹۸).

تفسیر نور، این آیه را پیامی برای تهذیب اخلاق و معنوی انسان می‌داند. قرآن با نهی از قول زور، افراد را به صداقت و پاکی کلام دعوت می‌کند تا رابطه‌ای سالم با خداوند و دیگران داشته باشند (قرائتی، بی تا: ۸، ۷۷).

آیه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» بر لزوم صداقت، پرهیز از هر نوع دروغ و انحراف، و عدالت در سخن تأکید می‌کند. این آیه یک اصل راهبردی برای سلامت ارتباطات انسانی و اجتماعی ارائه می‌دهد. از نگاه مفسران، قول زور نه تنها گناهی فردی، بلکه آسیب‌زایی جمعی دارد که با اصول قرآنی صداقت، عدالت و سلامت اجتماعی در تضاد است.

۹. اصل نرم‌خویی و محبت در گفتار

«فَقُولُوا لَهُ رِقُولًا لَّيِّنًا...» (طه: ۴۴).

خداوند در قرآن به موسی و هارون دستور می‌دهد که حتی با فرعون، سخنی ملایم و محبت‌آمیز داشته باشند:

«فَقُولُوا لَهُ رِقُولًا لَّيِّنًا...» (طه: ۴۴).

راغب اصفهانی «قول لین» را به معنای سخنی آرام و بدون خشونت می‌داند که دل مخاطب را نرم کرده و او را به تأمل وادار می‌کند (راغب اصفهانی، ماده «لین»).

طبری می‌گوید این آیه نشان‌دهنده اهمیت روش گفت‌وگو در اسلام است. حتی با دشمنان سرسخت نیز باید با نرمی رفتار کرد، زیرا این رویکرد، بیشترین تأثیر را در دل‌های سخت می‌گذارد (طبری، ۱۹۹۲م: ۱۶، ۲۴۱).

علامه طباطبایی: معتقد است که نرمی در گفتار، نشانه‌ای از اخلاق نیکو و منش انسانی است که می‌تواند حتی دشمنان سرسختی چون فرعون را تحت تأثیر قرار دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴، ۲۲۶).

سید قطب: این آیه را نمونه‌ای از روش تربیتی قرآن می‌داند که نشان می‌دهد قدرت گفتار محبت‌آمیز از زور و خشونت بیشتر است (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۴، ۲۱۶۰).

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره ۸۳)

مفسران بر این باورند که عبارت «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» به معنای سخن گفتن به نیکوترین شیوه و با احترام با همه انسان‌ها است.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «این عبارت از بنی اسرائیل می‌خواهد که در گفتار خود با دیگران، همواره ادب و حسن خلق را رعایت کنند و سخنان‌شان سرشار از محبت و

احترام باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱، ۲۴۳).

طبرسی تأکید دارد که کلمه "حُسْنًا" به معنای گفتاری است که همراه با ادب، نرمی و خیرخواهی باشد و از آن به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد الفت میان انسان‌ها یاد می‌کند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱، ۲۰۱)

عبارت "لِلنَّاسِ" در این آیه نشان می‌دهد که این دستور خطاب به همه انسان‌ها، فارغ از دین، نژاد یا ملیت آنهاست. به همین دلیل، این آیه یک اصل کلی برای ایجاد تعامل سازنده و صلح‌آمیز میان انسان‌ها ارائه می‌دهد (همان)

پیامبر اسلام ﷺ نمونه بارز عمل به این اصل قرآنی بود. ایشان در مواجهه با دشمنان نیز با خوش‌رویی و سخن نیکو رفتار می‌کرد.

در ماجرای فتح مکه، پیامبر با گفتاری نرم و دلجویانه به مشرکان گفت: «اذهبوا فأنتم الطلقاء» (بروید، شما آزادید) و از این طریق دل آنها را به دست آورد (ابن هشام، ۱۳۵۵ق: ۴، ۵۴).

«وَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا» (اسراء: ۲۸)

یکی از آیات مهم قرآن کریم است که به شیوه سخن گفتن و برخورد با دیگران، به‌ویژه نیازمندان، اشاره دارد.

واژه «میسور» به معنای آسان، نرم و خوشایند است. این آیه، مسلمانان را به گفتاری ملایم، مؤدبانه و سازگار با روحیه مخاطب دعوت می‌کند. در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی بیان می‌کند که این آیه بر اصل مهربانی تأکید دارد و حتی زمانی که امکان پاسخ عملی یا کمک به نیازمندان نیست، باید با آن‌ها سخنی دلنشین و امیدوارکننده داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳، ۲۹).

طبق نظر شیخ طبرسی، «قول میسور» سخنی است که به مخاطب امید بدهد و او را از تلخی محرومیت نجات دهد. این اصل در تمامی تعاملات اجتماعی کاربرد دارد، زیرا سخن نرم و آرامش‌بخش موجب تقویت روابط انسانی می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۶: ۶، ۴۶۹).

طبرسی معتقد است که سخن میسور، جلوه‌ای از گفتار نیکو است که از دل نیتی صادقانه و مهربانانه سرچشمه می‌گیرد (همان)

این آیه اصولی همچون رعایت ادب، نرم‌خویی، احسان و حفظ کرامت انسانی را به عنوان مبانی گفتگوی سالم معرفی می‌کند. از منظر تفسیری، این اصل نه تنها برای

تعامل با نیازمندان بلکه در همه روابط انسانی کاربرد دارد و به تقویت همدلی و همبستگی اجتماعی کمک می‌کند.

فلسفه و اهداف این اصل (نرم خویی) در قرآن

۱. جلوگیری از تنش و نزاع:

قرآن کریم با دستور به گفتار نیکو، به طور غیرمستقیم از بروز نزاع‌های لفظی و اجتماعی جلوگیری می‌کند. گفتار محترمانه باعث کاهش کدورت‌ها و افزایش محبت می‌شود.

۲. هدایت انسان‌ها:

از دیدگاه مفسران، حسن گفتار می‌تواند به عنوان ابزاری برای هدایت افراد به سوی حق و حقیقت عمل کند. شیخ طوسی در التبیان می‌نویسد: «گفتار نیک، زمینه هدایت دل‌ها به سوی خدا را فراهم می‌آورد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۶، ۱۴۷).

۳. ایجاد انسجام اجتماعی:

قرآن از طریق تأکید بر گفتار نیک، به دنبال ایجاد پیوندهای محکم اجتماعی و تقویت انسجام میان مردم است.

۱۰. بیان حق و شفافیت در گفتگو

آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا" (احزاب، ۷۰) یکی از مهم‌ترین دستورات قرآنی در زمینه رعایت اصول گفت‌وگو است. این آیه، خطاب به مؤمنان، آنان را به پرهیزگاری و سخن درست و اصلاح‌گرانه فرا می‌خواند. مفهوم "قول سدید" و تأثیر آن در روابط انسانی، مبانی اجتماعی و اخلاقی قرآن را در زمینه ارتباطات تبیین می‌کند. کلمه "سدید" از ریشه "سد" به معنای استحکام، درستی و انسجام است. گفتار سدید به معنای سخنی است که: درست و مطابق با واقعیت باشد، هدف‌دار و هدایتگر باشد، خللی در آن وجود نداشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ذیل واژه "سد").

علامه طباطبایی می‌گوید: «قول سدید سخنی است که مطابق حق بوده و هیچ‌گونه انحراف و ناپایداری در آن نباشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶، ۳۰۳).

طبرسی تأکید دارد که قول سدید، سخنی است که از دروغ و ناراستی به دور باشد و به هدف اصلاح باشد (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ۸، ۵۴۴).

هدف از "قول سدید"، اصلاح روابط انسانی و ایجاد تأثیر مثبت در جامعه است.

قرآن در ادامه آیه می‌فرماید: «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (احزاب، ۷۱)، که نشان‌دهنده پیوند میان گفتار درست و اصلاح اعمال است.

فخر رازی می‌گوید: «گفتار نیکو و درست، اولین گام برای اصلاح رفتار و ایجاد جامعه‌ای سالم است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۵، ۱۸۴).
گفتاری که با حقیقت و نیت خیرخواهانه همراه باشد، سبب کاهش سوءتفاهم‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶، ۳۰۴).

۱۱. انتخاب کلمات و شیوه بیان

آیه «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء: ۶۳) یکی از آیات مهمی است که اصول اخلاقی و روان‌شناختی گفتگو در قرآن را برجسته می‌کند. این آیه، مخاطب را به دقت در انتخاب کلمات و شیوه بیان سخن هدایت می‌کند، به گونه‌ای که بر دل مخاطب بنشیند و تأثیر عمیقی بگذارد.

عبارت «قَوْلًا بَلِيغًا» به معنای سخنی است که هم تأثیر عاطفی و هم عقلانی دارد. علامه طباطبایی در المیزان بیان می‌کند که این آیه توصیه می‌کند سخن گفتن با مردم باید به گونه‌ای باشد که در جان آنان نفوذ کرده و آن‌ها را به تفکر وادارد. این نفوذ به انتخاب درست کلمات و توجه به شرایط روحی مخاطب بستگی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۵، ۳۵).

عبارت «فِي أَنْفُسِهِمْ» اشاره به لزوم شناخت دقیق حالات درونی و روانی مخاطب دارد. فخر رازی در التفسیر الکبیر توضیح می‌دهد که این آیه تأکید دارد سخن باید با توجه به موقعیت و شرایط درونی مخاطب گفته شود، به طوری که باعث تنبه و بیداری وجدان او گردد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰، ۹۱).

بلاغت در این آیه به معنای رساندن پیام به زیباترین و مؤثرترین شکل است. شیخ طبرسی در مجمع البیان تصریح می‌کند که قول بلیغ شامل سخنی است که هم زیبا باشد و هم استدلالی محکم داشته باشد. این آیه نشان می‌دهد که سخن باید به گونه‌ای بیان شود که مخاطب را مجاب کرده و او را از نظر فکری و عاطفی متأثر کند (طبرسی، ۱۴۰۶ ق: ۳، ۱۲۷).

تفسیر نور اشاره می‌کند که این آیه شیوه صحیح اصلاح دیگران را با زبانی دلنشین و درونی‌سازی پیام معرفی می‌کند تا از تحریک یا ایجاد تقابل پرهیز شود (قرائتی، بی تا: ۲۰۸، ۲).

این آیه اصول مهمی برای یک گفتگوی تأثیرگذار را بیان می‌کند، از جمله: شناخت شرایط مخاطب، رعایت ادب، بهره‌گیری از بلاغت، و تأکید بر تأثیر عاطفی و عقلانی سخن. این آیه به مسلمانان می‌آموزد که گفتارشان باید همراه با مهربانی، دقت و هدفمندی باشد تا بتواند در دل و جان مخاطب نفوذ کند و او را به سمت اصلاح و هدایت سوق دهد.

۱۲. گفتگو بر مبنای علم و آگاهی

قرآن کریم اهمیت ویژه‌ای برای علم، آگاهی، و دانش قائل است و آن را یکی از مبانی اساسی در گفتگوی سازنده و هدایت‌بخش معرفی می‌کند. اصول قرآنی گفتگو، بر پایه حقیقت‌جویی و ارائه سخنان مستند و عالمانه بنا شده است. قرآن بارها بر پرهیز از سخن بدون علم تأکید کرده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء: ۳۶)

این آیه به وضوح بیان می‌کند که سخن گفتن یا قضاوت بدون علم و آگاهی گناه است و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی به دنبال دارد. علامه طباطبایی در المیزان توضیح می‌دهد که علم، بنیان گفتار صحیح است و هر گفتاری که بدون پشتوانه دانش باشد، از دیدگاه قرآن مردود است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳، ۱۸۹ و ۱۹۰). قرآن کریم، در آیات متعددی بر ارائه دلیل و برهان در گفتگو تأکید دارد: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱).

این اصل، گفتگوی قرآنی را از گفتارهای بی‌اساس و غیرمستند متمایز می‌کند. فخر رازی در التفسیر الکبیر بیان می‌کند که این آیه نشان‌دهنده اهمیت علم و برهان در مباحثات دینی و اجتماعی است و مسلمانان را به جدال احسن بر مبنای دانش دعوت می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۶، ۱۲۳).

طبرسی در مجمع البیان اشاره می‌کند که گفتگوهای فاقد علم و استدلال نه تنها ثمربخش نیستند، بلکه می‌توانند باعث انحراف شوند (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۲، ۱۱۵). قرآن کریم، گفتگو را به عنوان ابزاری برای جستجوی حقیقت و دستیابی به علم معرفی می‌کند. برای مثال، در گفتگوی حضرت ابراهیم علیه السلام با ستاره‌پرستان، او با استدلال و علم به نفی عقاید آنان پرداخت (انعام: ۷۶-۷۸). علامه طباطبایی بیان می‌کند که هدف از این گونه گفتگوها، بیداری عقل و هدایت انسان به سوی حقیقت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵، ۷۱).

علم، یکی از ارکان اساسی در اصول قرآنی گفتگو است. قرآن کریم تأکید دارد که گفتار باید بر پایه علم، برهان، و استدلال باشد. از سوی دیگر، قرآن گفتگوهای جاهلانه و بی‌اساس را تقبیح کرده و بر لزوم بهره‌گیری از دانش در مباحثات دینی، اجتماعی و اخلاقی تأکید دارد. این اصول نشان می‌دهند که علم و آگاهی، زیربنای یک گفتگوی سالم، سازنده و هدایت‌بخش است.

اصول و روش‌های گفت‌وگو در قرآن کریم، الگویی برای تعاملات انسانی است که بر اساس عدالت، حکمت، صداقت و محبت شکل گرفته است. این اصول از طرفی اخلاق انسانی را تقویت می‌کند و از طرف دیگر، به ایجاد گفت‌وگوهای ثمربخش و تأثیرگذار کمک می‌کند. در منابع تفسیری که مورد بررسی قرار گرفت، به تأثیر این روش‌ها در اقناع مخاطبان و گسترش حقایق اشاره شده است.

ب. گفت‌وگو در احادیث، اصول و رویکردها

برای بررسی اصول و رویکردهای گفتگو در احادیث اسلامی، به ویژه از دیدگاه شیعه، لازم است که به منابع معتبر حدیثی و تفسیری مراجعه کنیم. گفتگو در آموزه‌های اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای مهم تعامل انسانی و تبلیغ دین شناخته می‌شود. این آموزه‌ها ریشه در قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام) دارند و بر اساس اصولی چون احترام، عدالت، صداقت و حکمت تنظیم شده‌اند.

الف: اصول گفتگو در احادیث

۱. صداقت و راستگویی
یکی از مهم‌ترین اصول گفتگو در احادیث، صداقت است. صداقت و راستگویی، پایه‌ای‌ترین اصول اخلاقی و دینی هستند که در گفتگوهای انسانی جایگاه ویژه‌ای دارند. این اصول نه تنها در فرهنگ‌ها و اندیشه‌های بشری مورد تأکید قرار گرفته‌اند، بلکه در آموزه‌های اسلامی و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بر اهمیت راستگویی تأکید شده است.

الف: اهمیت صداقت و راستگویی در گفتگو

« ایجاد اعتماد متقابل

راستگویی پایه‌ای‌ترین عامل در ایجاد اعتماد بین افراد است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«الصدقُ صلاحُ كلِّ شيءٍ» (راستگویی اصلاح‌کننده همه چیز است) (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۴۵۸).

وقتی افراد در گفتگو راستگو باشند، فضایی از اطمینان و آرامش شکل می‌گیرد و سوءتفاهم‌ها کاهش می‌یابد.

« محبوبیت نزد دیگران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّهُ مَعَ الْبِرِّ وَهُمَا فِي الْجَنَّةِ» (بر شما باد راستگویی، زیرا راستگویی همراه با نیکی است و هر دو در بهشت خواهند بود) (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۲، ۲۶۳).
راستگویی موجب جلب محبت و اعتماد دیگران می‌شود و انسان را در نزد خداوند و بندگانش گرامی می‌سازد.

« حل مؤثر تعارضات

صداقت در گفتگوها به شفافیت مسائل کمک می‌کند و زمینه‌ساز یافتن راه‌حل‌های کارآمد و عادلانه است. این اصل در تعاملات اجتماعی از بروز کج‌فهمی‌ها و نزاع‌های بیهوده جلوگیری می‌کند.

ج: کارکردهای صداقت در گفتگو

« تقویت همدلی و احترام

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَصْدَقُهُمْ لِسَانًا» (همانا محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند راستگوترین آنان است) (مجلسی، ۱۴۰۳، ق: ۷۲، ۴۶۳).

وقتی افراد با صداقت و حقیقت‌سخن بگویند، ارتباطات آن‌ها عمیق‌تر و مبتنی بر احترام متقابل می‌شود.

« سلامت روانی و کاهش استرس

فردی که راستگو است، از استرس ناشی از پنهان‌کاری یا لو رفتن دروغ‌ها دور می‌ماند. این مسئله، بهبود سلامت روانی و افزایش آرامش را به همراه دارد.

« پایداری روابط اجتماعی

روابطی که بر پایه راستگویی بنا شوند، دوام بیشتری دارند و کمتر دچار اختلافات عمیق می‌شوند. راستگویی نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری و وفاداری است.

د. نتایج پایبندی به صداقت در جامعه

« ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌مدار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الصِّدْقَ طُمَأْنِينَةٌ وَإِنَّ الْكَذِبَ رِبَّةٌ» (راستگویی مایه آرامش است و دروغ‌گویی باعث نگرانی و اضطراب می‌شود) (شیروانی، ۱۳۸۲: حدیث ۱۲۴۷).

گسترش صداقت در جامعه، فضای اعتماد و آرامش را تقویت می‌کند.

« کاهش فساد و ناهنجاری‌ها

اگر راستگویی به یک ارزش اجتماعی تبدیل شود، فساد، فریب و ناهنجاری‌های اخلاقی کاهش می‌یابد و بستر توسعه فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌شود. صداقت و راستگویی نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی، بلکه به عنوان یک ضرورت اجتماعی و دینی مورد تأکید است. پایبندی به این اصل در گفتگوها می‌تواند اعتماد، همدلی و احترام را تقویت کند و از بسیاری از مشکلات اجتماعی جلوگیری نماید. از این رو، آموزش و ترویج صداقت باید بخشی جدایی‌ناپذیر از تربیت فردی و اجتماعی باشد.

۲. احترام به کرامت انسانی

کرامت انسانی مفهومی است که به ارزش ذاتی هر انسان، فارغ از نژاد، مذهب و جایگاه اجتماعی اشاره دارد. قرآن کریم نیز بر این اصل تأکید دارد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). این آیه نشان می‌دهد که تمامی انسان‌ها به دلیل انسان بودنشان دارای کرامت هستند و این کرامت باید در گفت‌وگوها رعایت شود. «قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳)

واژه «کریم» در این آیه نشان‌دهنده سخنی است که همراه با احترام، ادب، و بزرگ‌منشی باشد. علامه طباطبایی در المیزان بیان می‌کند که «قول کریم» به معنای سخنی است که شأن و کرامت انسانی مخاطب را حفظ کند، حتی اگر شرایط برای کمک مادی فراهم نباشد. این اصل در گفتار، به مخاطب حس احترام و اهمیت می‌بخشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳، ۲۵۳-۲۵۵).

«قول کریم» شامل سخنانی است که بار منفی نداشته و به حفظ عزت نفس مخاطب

کمک کند. این نوع گفتار، تأثیر روانی مثبتی بر نیازمندان و افراد آسیب‌پذیر دارد (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۳، ۱۲۸)

امام علی علیه السلام نیز در خطبه‌ای می‌فرماید: «الناس صنفان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان، ضرورت احترام به کرامت انسانی را حتی در برخورد با کسانی که از نظر اعتقادی با ما متفاوت‌اند، برجسته می‌کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمُحَقَّرَاتِ الْعِبَادِ فَإِنَّهُمْ لَهُمْ كَرَامَةٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آمدی، ۱۳۶۶: حدیث ۷۹۶۸)

این بیان، به لزوم خودداری از تحقیر دیگران در هر شرایطی تأکید دارد و نشان می‌دهد که کرامت انسانی حتی در شرایط اختلاف‌نظر نباید نقض شود.

احترام به کرامت انسانی در گفت‌وگو، نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه یک راهبرد عملی برای ایجاد ارتباطات مؤثر و پایدار است. احادیث اسلامی بر ضرورت حفظ این اصل تأکید کرده و آن را به عنوان یک ارزش محوری معرفی کرده‌اند. اگر این اصل در گفت‌وگوها رعایت شود، زمینه‌ساز تحقق عدالت، صلح و تفاهم در جامعه خواهد بود.

۳. رعایت ادب و نرم‌خویی

رعایت ادب و نرم‌خویی در گفت‌وگو، از اصول اخلاقی مورد تأکید در تعالیم اسلامی است. این اصول موجب می‌شود گفت‌وگو به جای تنش و نزاع، به فضایی برای تفاهم و همدلی تبدیل شود. در قرآن و احادیث، رعایت ادب و استفاده از گفتاری ملایم و محبت‌آمیز، به عنوان روشی مؤثر برای برقراری ارتباطات سازنده مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن نیز در گفت‌وگو میان حضرت موسی و فرعون بر رعایت ادب تأکید کرده و خداوند می‌فرماید:

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴).

امام صادق علیه السلام این آیه را تفسیر کرده و می‌فرماید: «القول اللين يثير المودة، ويسيطر على القلوب» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲، ۲۱۸)

این حدیث بر تأثیر مثبت گفتار ملایم در ایجاد محبت و تفاهم تأکید دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با مخالفان همواره با ادب و نرم‌خویی رفتار می‌کردند.

قرآن کریم به نرم‌خویی پیامبر اشاره کرده و آن را عامل جذب مردم دانسته است: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

پیامبر با رفتار ملایم و گفتاری محترمانه، الگویی کامل برای رعایت ادب در گفت‌وگو ارائه کرده است. در قرآن نیز آمده است: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.» (سوره نحل، آیه ۱۲۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ كَانَ لَهُ لِسَانٌ لَيِّنٌ وَخُلُقٌ هَيِّئٌ، كَثُرَ إِخْوَانُهُ» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳، ح ۷۹۸۵).

این حدیث بر اثر مثبت خوش‌زبانی و ملایمت در ایجاد روابط اجتماعی تأکید دارد. امام رضا علیه السلام در مناظرات خود با دانشمندان ادیان مختلف، همواره با احترام و آرامش سخن می‌گفتند، که این شیوه باعث جلب نظر و احترام آنان می‌شد.

رعایت ادب و نرم‌خویی در گفت‌وگو نتایج مثبتی به همراه دارد، از جمله:

۱. ایجاد محبت و همدلی: گفتار ملایم سبب جلب اعتماد و محبت دیگران می‌شود.
۲. کاهش تنش و تعارض: رعایت ادب در گفت‌وگو مانع از بروز نزاع و درگیری می‌شود.

۳. تسهیل انتقال پیام: رفتار مؤدبانه و گفتاری ملایم، تأثیر پیام را افزایش می‌دهد.

۴. جذب افراد به دین و ارزش‌ها: نمونه‌های رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که نرم‌خویی و ادب در گفت‌وگو، وسیله‌ای برای جذب انسان‌ها به اسلام بوده است.

۴. پرهیز از جدال بیهوده

پرهیز از جدال بیهوده یکی از اصول مهم در گفتگو است که در آموزه‌های دینی اسلام به شدت بر آن تأکید شده است. این اصل، پایه‌ای برای برقراری ارتباط سازنده و حفظ احترام متقابل در گفت‌وگوها محسوب می‌شود. پرهیز از جدال بیهوده، احترام به کرامت انسان‌ها و زمینه‌فصلی آرام را برای تبادل اندیشه‌ها فراهم می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ضمن تفسیر آیه ۱۲۵ سوره نحل، بیان می‌کند که شیوه گفتگو باید به دور از تحقیر، توهین و مجادله بی‌ثمر باشد، چرا که این رفتارها مانع از تأثیرگذاری کلام می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَإِصَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ.

(کلینی، ۱۴۰۷: ق ۲، ۲۶۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ، وَلَا تُمَارِجَ فَيُجْتَرَّ عَلَيْكَ» (جدال مکن که وقارت را از بین می‌برد، و شوخی بیجا مکن که بر تو جسارت می‌شود). (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۳)

در روایت دیگری از ایشان آمده است: «إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِكَ» (از جدال پرهیز، زیرا نور ایمان را از قلبت می‌برد). (کلینی، ۱۴۰۷: ق ۲، ۳۰۰)

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ تَخَلَّى عَنِ الْجِدَالِ، أَحْسَنَ الْبِرِّ» (کسی که جدال را رها کند، بهترین نیکی را انجام داده است). (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۷۲، ۱۵۱)

امام رضا علیه السلام به عبدالعظیم حسنی فرمود: ای عبدالعظیم! به دوستانم سلام برسان و به آنها سفارش کن: راستگو و امانتدار باشید. ساکت و خاموش باشید و بحث و جدل‌های بیهوده را رها سازید، به ملاقات هم بروید. خود را سرگرم تکه پاره کردن یکدیگر نکنید! (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۴۹، ۱۲۱)

با توجه به منابع قرآنی و روایی، پرهیز از جدال بیهوده یکی از اصول مهم در اسلام است که باعث آرامش، حفظ وحدت و ارتقای سطح معنوی انسان می‌شود. توجه به این آموزه‌ها در گفت‌وگوها، راه را برای تعامل سازنده و فهم متقابل هموار می‌کند. احادیث فوق نشان‌دهنده تأکید ویژه ائمه معصومین علیهم السلام بر پرهیز از مجادله‌های بی‌ثمر است. این تعالیم علاوه بر تأثیرات مثبت فردی، موجب اصلاح روابط اجتماعی و جلوگیری از گسترش کینه و عداوت می‌شود.

۵. توجه به فهم، ظرفیت و سطح مخاطب

توجه به فهم و سطح مخاطب یکی از اصول مهم در گفتگو است که در آموزه‌های اسلامی نیز بر آن تأکید شده است. در احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، این موضوع به عنوان یکی از راهبردهای اساسی برای موفقیت در ارتباطات معرفی شده است. در احادیث تأکید شده که در گفتگو، باید سطح فکری و درک مخاطب در نظر گرفته شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». ما پیامبران با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن می‌گوییم. (شیروانی، ۱۳۸۲: حدیث ۱۶۳۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «حَدِّثُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». (کلینی، ۱۴۰۷: ق ۱، ۱)

در حدیث دیگری ایشان می‌فرمایند: «حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟» با مردم به اندازه‌ای که می‌فهمند سخن بگویند. آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش تکذیب شوند؟ (دشتی، ۱۳۸۲: حکمت ۳۳۸)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا... عَرَفَ أَيْنَ يَزِيدُ وَأَيْنَ يَنْقُصُ.» خدا رحمت کند بنده‌ای را که بداند کجا باید بر گفتارش بیفزاید و کجا بکاهد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: ۲، ۱۹۰)

این اصل نه تنها باعث انتقال بهتر پیام می‌شود، بلکه از سوء تفاهم و برداشت‌های نادرست و انکار مخاطب نیز جلوگیری می‌کند. توجه به این راهبرد می‌تواند به عنوان یک مهارت ارتباطی در تعاملات روزمره نیز به کار گرفته شود. توصیه‌های معصومین نشان می‌دهد که ارتباط موفق زمانی برقرار می‌شود که گوینده بتواند پیام خود را به زبان ساده و قابل فهم منتقل کند.

ب: رویکردهای گفتگو در احادیث

۱. گفتگوی منطقی و عقلانی

یکی از رویکردهای برجسته در سنت اسلامی، گفتگوی مبتنی بر عقل و منطق است. امام صادق علیه السلام در مناظرات خود، از استدلال‌ات عقلانی استفاده می‌کردند. برای نمونه، در مناظره با زندیق (کافر دهری)، امام با ارائه استدلال‌های منطقی وجود خدا را اثبات کردند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱، ۲۸۱)

۲. دعوت غیرمستقیم و عملی

رویکرد غیرمستقیم یکی دیگر از شیوه‌های توصیه‌شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «كُونُوا زِينًا لَنَا وَلَا تَكُونُوا شِينًا عَلَيْنَا.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۷۷) این توصیه نشان می‌دهد که عمل افراد می‌تواند گویاتر از کلمات باشد.

۳. استفاده از تمثیل و داستان

در احادیث، از تمثیل‌ها برای ساده‌سازی مفاهیم پیچیده استفاده شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ. (صبر برای ایمان، به منزله سر است برای بدن. همچنان که اگر سر برود، بدن هم از بین می‌رود، اگر صبر از کف رفت، ایمان نیز از کف می‌رود.) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۱۲۸)

تمثیل نه تنها مفاهیم را روشن تر می کند، بلکه مخاطب را به تأمل وامی دارد.

۴. انعطاف در روش ها

رویکرد انعطاف پذیری در گفتگو، یکی دیگر از ویژگی های معصومین علیهم السلام است. امام رضا علیه السلام بسته به شرایط و نوع مخاطب، شیوه های مختلفی را به کار می بردند؛ از استدلال عقلی گرفته تا استناد نقلی به کتب آسمانی ادیان دیگر. (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: ۲، ۲۳۶)

۵. اجتناب از قضاوت عجولانه

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «صَغَّرَ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ...» (دستی، ۱۳۸۲: حکمت ۳۶۰)؛ امور دیگران را به بهترین وجه ممکن تفسیر کن. این توصیه به پرهیز از سوءظن و پیش داوری در گفت وگوها، نشان دهنده اهمیت نگاه مثبت و سازنده است.

۶. شنیدن فعال و احترام به طرف مقابل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَسْكُتْ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷، ۱۴۰) این حدیث، اهمیت گزینش کلمات و پرهیز از گفتار بیهوده را به عنوان یکی از اصول اساسی گفت وگویی سازنده مطرح می کند.

تحلیل یافته ها

۱. تحلیل تطبیقی یافته های قرآنی و حدیثی با دیدگاه های معاصر

گفت وگو و تعاملات اجتماعی در هر جامعه ای نقشی اساسی در شکل دهی به روابط انسانی و ایجاد همبستگی اجتماعی ایفا می کنند. در این راستا، آموزه های دینی، به ویژه قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، به عنوان منابع اصلی هدایت در جوامع اسلامی، اصول و راهکارهای معتبری را برای تعاملات انسانی و گفت وگوهای سازنده ارائه می دهند. این اصول به ویژه در مواجهه با تعارضات و چالش های اجتماعی، به عنوان مبنای اخلاقی و عملی برای اصلاح جامعه و بهبود روابط فردی و اجتماعی مطرح می شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱، ۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۰، ۱۵۲).

با این حال، در دنیای معاصر که با چالش هایی نظیر اختلافات فرهنگی، دینی و سیاسی روبه رو است، ضرورت تحلیل تطبیقی اصول قرآنی و حدیثی با دیدگاه های

معاصر بیش از پیش احساس می‌شود. جهان امروز در پی یافتن راهکارهای مؤثر برای حل تعارضات اجتماعی، تقویت روابط بین فردی و ارتقای فضایی صلح‌آمیز است. این امر مستلزم بازخوانی و تفسیر آموزه‌های دینی در پرتو دیدگاه‌های معاصر و انطباق آن‌ها با نیازهای روز جامعه است.

تحلیل تطبیقی یافته‌های قرآنی و حدیثی با دیدگاه‌های معاصر می‌تواند نشان دهد که چگونه اصولی همچون «عدالت»، «احترام به آزادی بیان»، «گفت‌وگوی حکیمانه» و «صداقت» که در متون دینی اسلام مطرح شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان راهکارهایی عملی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امروز استفاده شوند. این تحلیل نه تنها به فهم بهتر آموزه‌های دینی کمک می‌کند بلکه ارتباط آن‌ها را با مسائل روز و نیازهای اجتماعی ملموس‌تر می‌سازد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی اصول قرآنی و حدیثی با دیدگاه‌های معاصر، تلاش می‌کند تا کاربردهای عملی این آموزه‌ها را در مسائل اجتماعی، از جمله حل تعارضات، تقویت همبستگی اجتماعی و مدیریت بحران‌های فرهنگی، بررسی کرده و نقش آن‌ها را در ایجاد فضایی اخلاقی، عادلانه و همبسته در دنیای معاصر روشن کند. این تحلیل، به‌ویژه در راستای توجه به فرهنگ گفت‌وگو و کاهش خشونت‌های اجتماعی، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات روز جامعه باشد.

تطبیق اصول قرآنی با دیدگاه‌های معاصر

۱. دعوت به گفت‌وگوی حکیمانه و نیکو (مجادله احسن)

یافته قرآنی: قرآن در آیه ۱۲۵ سوره نحل به گفت‌وگوی حکیمانه و نیکو تأکید دارد. این آیه سه اصل مهم را برای گفت‌وگو معرفی می‌کند: حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن که به‌طور مستقیم بر اخلاقی بودن گفت‌وگو تأکید دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۳۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۰، ۳۴۳).

در نظریه‌های معاصر ارتباطات میان فرهنگی، جوزف نای در کتاب «قدرت نرم» بر اهمیت استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز و فرهنگی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد تفاهم بین‌المللی تأکید دارد (نای، ۱۳۸۳: ۶۷). این دیدگاه هم‌راستا با آموزه‌های قرآنی است که دعوت به گفت‌وگو با حکمت و موعظه حسنه دارد. همچنین، در دیپلماسی فرهنگی، محمدرضا دهشیری به این نکته اشاره می‌کند که

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی، می تواند به طور مؤثری باعث کاهش تنش ها و ارتقای روابط مسالمت آمیز میان ملت ها شود (دهشیری، ۱۳۸۴: ۴۵). در ارتباطات میان فرهنگی نیز، برای رسیدن به تفاهم در جوامع چندفرهنگی، بر اهمیت رعایت احترام و استفاده از روش های غیرتهاجمی در گفت و گو تأکید شده است (هورن و تومالین، ۱۳۹۰: ۱۱۲). کاربرد اجتماعی: این اصول می توانند در سیاست گذاری های عمومی و آموزش های اجتماعی به ویژه در برنامه های مهارت های اجتماعی و کاهش تعارضات مورد استفاده قرار گیرند.

۲. اصل رعایت عدالت و انصاف

یافته قرآنی: قرآن بر اصل عدالت و انصاف در تمام ابعاد زندگی، از جمله گفت و گو تأکید دارد «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲).

دیدگاه معاصر: در نظریه های عدالت اجتماعی و نظریات اخلاقی معاصر، «عدالت ارتباطی»^۱ و «عدالت توزیعی»^۲ به عنوان اصول بنیادی در روابط اجتماعی و اقتصادی مطرح هستند. یورگن هابرماس بر اهمیت عدالت ارتباطی تأکید کرده و بیان می کند که عدالت باید در تمام جنبه های تعاملات اجتماعی، به ویژه در گفت و گوها، لحاظ شود ((Rawls, ۱۹۷۱, p. ۳۰۲, (Habermas, ۱۹۸۴, p. ۴۵) کاربرد اجتماعی: در سیاست گذاری ها و برنامه های اجتماعی، رعایت عدالت در گفت و گوها و تصمیم گیری ها می تواند به کاهش نابرابری ها و ارتقای همبستگی اجتماعی کمک کند.

۳. گفت و گوی آزاد و احترام به آزادی بیان

یافته قرآنی: قرآن آزادی بیان را در چارچوب احترام به انسان ها و به دور از خشونت توصیه می کند «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹).

دیدگاه معاصر: جان استوارت میل در کتاب Liberty On، آزادی بیان را شرط ضروری برای پیشرفت فکری و اجتماعی می داند. او معتقد است که حتی عقاید مخالف اکثریت نیز باید آزادانه بیان شود، زیرا سرکوب عقاید مانع رسیدن به حقیقت و رشد فکری جامعه می شود (Mill, ۱۸۵۹, p. ۴۵). همچنین،

1. Communicative Justice

2. Distributive Justice

آمارتیا سن در کتاب Freedom as Development، بر اهمیت آزادی بیان در توانمندسازی شهروندان و تضمین دموکراسی تأکید دارد. او بیان می‌کند که آزادی بیان نه تنها یک حق اساسی است، بلکه ابزاری برای بهبود سیاست‌گذاری‌ها و توسعه پایدار است (Sen, ۱۹۹۹, p. ۱۵۲). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که اصل قرآنی احترام به آزادی بیان با نظریات معاصر درباره آزادی و دموکراسی هماهنگی دارد.

کاربرد اجتماعی: این اصل در محیط‌های دموکراتیک، رسانه‌ها و همچنین در حل تعارضات بین‌المللی و فرهنگی به کار می‌آید، جایی که آزادی بیان برای گفتگو و تبادل نظر ضروری است.

۴. شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین آنها

یافته قرآنی: قرآن به شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین آنها تأکید دارد. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (۱۸ الزمر).

دیدگاه معاصر: در نظریات معاصر، مفهوم «گوش دادن فعال» که توسط راجرز و فارسون مطرح شده است، بر اهمیت توجه عمیق به سخنان طرف مقابل و ایجاد احترام متقابل تأکید دارد. این رویکرد به بهبود کیفیت گفت‌وگوها و درک متقابل کمک می‌کند (Farson & Rogers, ۱۹۵۷, p. ۶).

کاربرد اجتماعی: این اصل می‌تواند در آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و در محیط‌های کاری و آموزشی برای کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت همکاری‌ها استفاده شود.

۵. تکیه بر استدلال منطقی و عقلی

یافته قرآنی: قرآن بارها بر استفاده از عقل و استدلال منطقی در مسائل دینی و اجتماعی تأکید کرده است «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱).

دیدگاه معاصر: در نظریه‌های معاصر، جان رالز در کتاب Justice of Theory A اهمیت استدلال منطقی و عقلانی تأکید می‌کند. او معتقد است که برای رسیدن به توافقات عادلانه در جوامع، افراد باید از استدلال‌های عقلانی استفاده کنند تا به نتایج منصفانه و مشترک دست یابند (Rawls, ۱۹۷۱, p. ۴۵).

کاربرد اجتماعی: در مذاکرات علمی، سیاسی و اجتماعی، استفاده از استدلال منطقی می‌تواند به جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های نادرست و کاهش تعارضات کمک کند.

۶. پرهیز از جدال بی‌فایده

یافته قرآنی: قرآن از جدال بی‌فایده و لغو برحذر می‌دارد و تأکید دارد که گفت‌وگو باید مفید و هدفمند باشد. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت: ۴۶).

دیدگاه معاصر: این دیدگاه قرآنی با نظریه‌های معاصر حل تعارض نیز هم‌خوانی دارد. ویلیام یوری در کتاب Yes to Getting بر لزوم اجتناب از جدال‌های بیهوده و تمرکز بر منافع مشترک تأکید می‌کند و بیان می‌کند که برای رسیدن به توافقات پایدار باید از مواجهات بی‌ثمر پرهیز کرد و به گفت‌وگوهای سازنده توجه داشت (Ury, ۱۹۹۱, p. ۴۳). کاربرد اجتماعی: در محیط‌های کاری، خانواده‌ها و جامعه، پرهیز از جدال‌های بی‌فایده می‌تواند به بهبود روابط و کاهش استرس‌های اجتماعی کمک کند.

۷. پرهیز از توهین و تمسخر

یافته قرآنی: قرآن تأکید دارد که در گفت‌وگوها نباید دیگران را مسخره کرد یا توهین نمود. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (انعام: ۱۰۸).

دیدگاه معاصر: امانوئل کانت تأکید می‌کند که کرامت انسانی باید در تمامی تعاملات رعایت شود و هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا ابزاری نسبت به دیگران، خلاف اصول اخلاقی است (Kant, ۱۹۹۳, p. ۴۱). همچنین، دانیل گولمن بر اهمیت مدیریت احساسات و احترام در روابط انسانی تأکید کرده و معتقد است که پرهیز از رفتارهای تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز به بهبود ارتباطات و روابط اجتماعی کمک می‌کند (Goleman, ۱۹۹۵, p. ۸۶).

کاربرد اجتماعی: در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و جلسات رسمی، رعایت این اصل می‌تواند به ایجاد فضایی مثبت و حمایتی کمک کند.

۸. صداقت و پرهیز از دروغ

یافته قرآنی: قرآن بر صداقت و پرهیز از دروغ تأکید می‌کند «وَأَجْنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۳۰).

دیدگاه معاصر: سیسلا بوک بر ضرورت صداقت در تمامی تعاملات تأکید کرده و بیان می‌کند که دروغ‌گویی نه تنها به اعتماد بین افراد لطمه می‌زند، بلکه پیامدهای منفی گسترده‌ای در سطح اجتماعی و حرفه‌ای دارد. او معتقد است که صداقت یکی

از اصول اساسی در تمامی روابط انسانی است و نقش مهمی در شکل‌دهی به جوامع اخلاقی و عادلانه دارد (Bok, ۱۹۹۹, p. ۲۵).

کاربرد اجتماعی: در سیاست، رسانه‌ها و روابط بین‌الملل، صداقت می‌تواند به ایجاد اعتماد عمومی و ارتقای کیفیت تعاملات بین کشورها کمک کند.

۹. اصل نرم‌خویی و محبت در گفتار

یافته قرآنی: قرآن تأکید دارد که گفت‌وگو باید با نرم‌خویی و محبت باشد (آیه ۴۴ سوره طه)

دیدگاه معاصر: مارشال روزنبرگ بیان می‌کند که نرم‌خویی و همدلی در گفتار می‌تواند تنش‌ها را کاهش داده و ارتباطات انسانی را تقویت کند. او توضیح می‌دهد که ارتباط غیرخشونت‌آمیز، مبتنی بر محبت و احترام، به درک متقابل و حل تعارضات کمک می‌کند (Rosenberg, ۲۰۰۳, p. ۱۲).

کاربرد اجتماعی: این اصل می‌تواند در تعاملات روزمره، سیاست‌گذاری‌های عمومی و حل مشکلات بین‌فرهنگی مؤثر واقع شود.

۱۰. بیان حق

یافته قرآنی: قرآن بر بیان حقیقت و پرهیز از تحریف آن تأکید دارد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب، ۷۰)

دیدگاه معاصر: امانوئل کانت بیان می‌کند که راست‌گویی و بیان حقیقت، وظیفه‌ای اخلاقی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. او معتقد است که بیان حقیقت، برخاسته از احترام به کرامت انسانی و تعهد به اصول اخلاقی است (Kant, ۱۹۹۳, p. ۴۱).

کاربرد اجتماعی: در محیط‌های آموزشی، قضائی و سیاسی، بیان حقیقت به‌عنوان اساس عدالت و حقوق بشر مطرح است.

۱۱. انتخاب کلمات و شیوه بیان

یافته قرآنی: قرآن بر انتخاب کلمات صحیح و شیوه بیان مناسب تأکید دارد. «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء: ۶۳)

دیدگاه معاصر: تیک نات‌هان بیان می‌کند که زبان و شیوه بیان از ابزارهای اصلی برای ایجاد روابط مؤثر و محترمانه هستند. او معتقد است که انتخاب کلمات با دقت و توجه می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت ارتباطات انسانی

کمک کند (Hanh Nhat, ۲۰۱۳, p. ۱۷).

کاربرد اجتماعی: در محیط‌های کاری و آموزشی، انتخاب درست کلمات و شیوه بیان می‌تواند به تقویت ارتباطات و پیشگیری از سوء تفاهم‌ها کمک کند.

۱۲. گفتگو بر مبنای علم و آگاهی

یافته قرآنی: قرآن به‌طور مکرر بر اهمیت علم و آگاهی در مباحث و گفتگوها تأکید دارد. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء: ۳۶)

دیدگاه معاصر: بوبر توضیح می‌دهد که گفت‌وگو باید مبتنی بر آگاهی و درک متقابل باشد و بدون آگاهی نمی‌توان به تبادل محترمانه و مؤثر دست یافت (Buber, ۱۹۵۸, p. ۴۵). همچنین، در نظریه‌های آموزش و یادگیری مانند «یادگیری فعال» که توسط بانول و ایسون مطرح شده است، تأکید می‌شود که تعاملات سازنده نیازمند دانش و آگاهی طرفین است تا کیفیت گفت‌وگوها و نتایج بهبود یابد (Eison & Bonwell, ۱۹۹۱, p. ۳۴). علاوه بر این، تاملیسون تأکید دارد که در هر تعامل آموزشی یا گفت‌وگو، آگاهی و شناخت دقیق از مخاطب و شرایط الزامی است (Tomlinson, ۲۰۰۱, p. ۱۹).

کاربرد اجتماعی: این اصل در جوامع معاصر می‌تواند در برنامه‌های آموزشی، رسانه‌ها و حتی سیاست‌گذاری‌های عمومی به کار گرفته شود. در آموزش‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی، تقویت آگاهی و علم برای گفت‌وگوهای سازنده می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها و تسهیل فرآیند حل تعارضات کمک کند. همچنین در فضای سیاسی و اجتماعی، داشتن علم و آگاهی از مسائل پیچیده می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و مذاکرات مؤثر عمل کند.

۱۳. توجه به فهم، ظرفیت و سطح مخاطب

یافته قرآنی و حدیثی: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل: ۱۲۵). این آیه نشان می‌دهد که برای برقراری ارتباط مؤثر، باید از شیوه‌های مختلفی استفاده کرد. حکمت: برای مخاطبانی که نیاز به استدلال عقلی دارند. موعظه حسنه: برای کسانی که به توصیه‌های اخلاقی و عاطفی بهتر پاسخ می‌دهند. جدال احسن: برای مواردی که نیاز به بحث و گفت‌وگوی منطقی و مؤدبانه است. این آیه به طور ضمنی بیان می‌کند که روش گفت‌وگو باید با درک

شرایط، فهم، و ظرفیت مخاطب تطبیق داده شود. امام علی (ع)؟ فرمودند: «با مردم طبق درک و فهم آنها صحبت کن» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۴۷).

دیدگاه معاصر: در نظریه‌های معاصر ارتباطات و یادگیری، «یادگیری متناسب با مخاطب» به عنوان اصولی اساسی در آموزش و ارتباطات مطرح است. برای مثال، ویکوتسکی در نظریه‌ی خود به‌طور مشخص تأکید دارد که فرآیند یادگیری باید با توجه به ظرفیت شناختی فرد تنظیم شود (Vygotsky, ۱۹۷۸, p. ۷۹). همچنین، هاوارد گاردنر در نظریه هوش‌های چندگانه بیان می‌کند که هر فرد ممکن است در انواع مختلف هوش‌ها توانمند باشد و لذا باید روش‌های ارتباطی و آموزشی متناسب با این تفاوت‌ها تنظیم گردد (Gardner, ۱۹۸۳, p. ۱۸). علاوه بر این، برنر نیز بر این موضوع تأکید دارد که روش‌های تدریس باید با توجه به سطح درک یادگیرندگان و نیازهای آن‌ها تنظیم شود (Bruner, ۱۹۶۶, p. ۷۴). این رویکردهای معاصر در ارتباطات و یادگیری با آموزه‌های قرآن و حدیث هم‌راستا هستند و بر اهمیت توجه به ظرفیت و سطح درک مخاطب تأکید دارند.

کاربرد اجتماعی: در آموزش‌های عمومی، تبلیغات فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های عمومی، این اصل می‌تواند به ارائه اطلاعات مناسب به مخاطبان مختلف و کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کند.

اصول قرآنی و حدیثی^۱ که در این مقاله بررسی شدند، به وضوح با دیدگاه‌های معاصر در ارتباطات، اخلاق اجتماعی و حل تعارضات هم‌راستا هستند. این اصول نه تنها از جنبه دینی، بلکه از منظر اجتماعی نیز حائز اهمیت‌اند. در دنیای امروز، که با چالش‌هایی چون اختلافات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مواجه است، آموزه‌های قرآنی و حدیثی می‌توانند به عنوان راهکارهای عملی برای تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش تعارضات و ایجاد فضای مناسب برای گفت‌وگو و همکاری در جامعه جهانی به کار روند.

۲. تحلیل کاربرد و استنباط پیام‌های عملی

۱. به دلیل هم پوشانی اصول قرآنی و حدیثی به اصول قرآنی بسنده شده است.

الف) کاربردهای اجتماعی

۱. حل تعارضات اجتماعی و خانوادگی

اختلافات خانوادگی غالباً از سوءتفاهم‌ها ناشی می‌شوند. استفاده از رویکردهای قرآنی، نظیر نرم‌خویی در کلام و شنیدن سخنان دیگران، می‌تواند این مشکلات را کاهش دهد. احادیثی مانند توصیه امام علی علیه السلام به در نظر گرفتن نیت خیر در اعمال دیگران نیز به کاهش سوءتفاهم‌ها کمک می‌کند (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۰).

۲. تقویت همبستگی اجتماعی

گفت‌وگو به عنوان یکی از ابزارهای اساسی ارتباط، نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند. اصول اخلاقی مانند صداقت، انصاف و پرهیز از جدال بی‌ثمر می‌توانند به ایجاد اعتماد و تقویت روابط اجتماعی کمک کنند. از طریق گفت‌وگو، افراد می‌توانند تفاوت‌ها را درک کنند، سوءتفاهم‌ها را کاهش دهند و به ارزش‌های مشترک برسند. این فرآیند باعث ایجاد اعتماد متقابل و همدلی در میان اعضای جامعه می‌شود و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. به‌ویژه در جوامعی که تنوع فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، گفت‌وگوی سازنده می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت اتحاد کمک کند.

۳. مدیریت بحران‌های فرهنگی و دینی

رویکردهایی مانند جدال احسن می‌توانند در مواجهه با چالش‌های بین‌فرهنگی و اختلافات مذهبی به کار گرفته شوند. اصول قرآنی مانند جدال احسن می‌تواند به کاهش تنش‌های بین‌فرهنگی و بین‌الادیانی کمک کند. این اصول می‌توانند در گفت‌وگوهای بین‌المللی برای ایجاد صلح و همبستگی جهانی به کار روند.

۴. کاربرد در محیط آموزشی

استفاده از اصول گفت‌وگو در محیط آموزشی می‌تواند تعامل مؤثرتری میان معلمان و دانش‌آموزان ایجاد کند. این امر به تقویت خلاقیت و کاهش تعارضات آموزشی کمک می‌کند.

۵. حل مناقشات سیاسی

آموزه‌های قرآنی درباره گفت‌وگو می‌توانند الگوهایی عملی برای کاهش مناقشات سیاسی ارائه دهند. برای مثال، تأکید قرآن بر احترام به دیدگاه‌های مخالف (عنکبوت ۴۶)، نشان می‌دهد که گفت‌وگوی سازنده می‌تواند جایگزینی برای خشونت و تنش در

سیاست باشد.

ب) استنباط معنایی و راهبردهای اصلاح اجتماعی

۱. اخلاق محوری در سیاست گذاری ها

آموزه های قرآنی و حدیثی می توانند مبنای سیاست گذاری های اخلاق محور در حوزه های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی باشند.

۲. آموزش مهارت های گفت وگو:

طراحی برنامه های آموزشی برای تقویت مهارت های گفت وگو، مانند گوش دادن فعال و گفتار نرم، می تواند به حل بسیاری از مشکلات اجتماعی کمک کند.

۳. ترویج فرهنگ احترام و انصاف

ارزش هایی مانند احترام به کرامت انسانی و انصاف می توانند به عنوان اصول بنیادین در تربیت اجتماعی و تعاملات بین المللی به کار روند.

یافته های قرآنی و حدیثی، در مقایسه با دیدگاه های معاصر، نشان می دهند که اصول اسلامی قابلیت انطباق با چالش های اجتماعی امروز را دارند. این آموزه ها می توانند به عنوان یک راهبرد عملی برای حل تعارضات، تقویت همبستگی و مدیریت اختلافات به کار گرفته شوند و در راستای اصلاح اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

۴. پرهیز از خشونت و توهین در رسانه ها

اصول قرآنی و حدیثی در خصوص «پرهیز از توهین و تمسخر» و «صداقت» می توانند در تنظیم استانداردهای رسانه ای و تبلیغاتی برای ارتقای احترام متقابل و کاهش خشونت آنلاین کاربرد داشته باشند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که گفت وگو در آموزه های قرآنی و حدیثی نه تنها ابزاری برای ارتباطات انسانی، بلکه یک استراتژی اجتماعی کلیدی برای اصلاح جامعه است. اصولی همچون حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن که در قرآن کریم به طور خاص به آن ها اشاره شده، می توانند به عنوان ابزارهایی مؤثر برای کاهش تعارضات، تقویت همبستگی

اجتماعی و ارتقای اخلاق انسانی در جوامع اسلامی و حتی جهانی به کار روند. همچنین، احادیث پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) بر انتخاب کلمات نیکو، احترام به کرامت انسانی، و پرهیز از جدال بی‌فایده تأکید دارند که این اصول به‌ویژه در شرایط کنونی می‌توانند راهگشای حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی باشند.

نتایج این تحقیق نشان داد که گفت‌وگو، در بستر اسلامی، به‌عنوان یک ابزار اصلاح اجتماعی و بهبود روابط انسانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله کاربردهای این اصول می‌توان به کاهش تنش‌های دینی، فرهنگی و سیاسی، و همچنین مدیریت بهتر اختلافات خانوادگی و اجتماعی اشاره کرد. به‌علاوه، روش‌های قرآنی و حدیثی می‌توانند به‌عنوان الگویی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و دیپلماسی بین‌المللی در دنیای امروز مفید باشند.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که برای تحقیقات آینده، بیشتر به کاربردهای عملی این آموزه‌ها در جوامع مدرن پرداخته شود و راهکارهایی برای پیاده‌سازی مؤثر این اصول در سطح فردی و اجتماعی بررسی گردد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح محمد دشتی. قم: پیام عدالت.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۲). ترجمه و شرح محمد دشتی. قم: پیام عدالت.
۱. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم (تحقیق: میرزا حسن موسوی خلخالی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن هشام. (۱۳۵۵). السیره النبویه (تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الیاری و عبدالحفیظ شلی). قاهره: مطبعة البابي الحلبي.
۳. حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسين.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴). مفردات ألفاظ القرآن. قم: مرکز نشر المکتب.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن (تحقیق: صفوان عدنان داوودی). بیروت: دار القلم.
۶. سید قطب. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
۷. شیخ صدوق. (۱۴۰۶). عیون أخبار الرضا. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۸. شیخ صدوق. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسين.
۹. شیخ طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. شیخ طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۶. فخر رازی. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. قرآنی، محسن. (بدون تاریخ). تفسیر نور. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، موسسه

الرساله.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲)، آزادی معنوی، قم، انتشارات صدرا.
۲۳. نهج الفصاحه. (۱۳۸۲). مجموعه احادیث پیامبر اسلام ﷺ، ترجمه: علی شیروانی. تهران: نشر دارالثقلین.
۲۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۹۹۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات الشریف الرضی.
۲۶. نای، ج. (۱۳۸۳). قدرت نرم: راههای موفقیت در سیاست جهانی. تهران، انتشارات سیاست‌گزاری.
۲۷. دهشیری، م. (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. دانش سیاسی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. هورن، ب. ج.، و تومالین، ب. (۱۳۹۰). ارتباطات میان فرهنگی: نظریه و کاربرد. (ترجمه محمدحسین شعاعی). تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
29. Habermas, J. (1984). The Theory of Communicative Action: Reason and the Rationalization of Society. (T. McCarthy, Trans.). Boston: Beacon Press.
30. Rawls, J. (1971). A Theory of Justice. Cambridge, MA: Harvard University Press.
31. Rogers, C. R. & Farson, R. E. (1957). Active Listening. Chicago: Industrial Relations Center, University of Chicago.
32. Kant, I. (1993). Groundwork of the Metaphysics of Morals. M. Gregor, Trans. (Cambridge: Cambridge University Press).
33. Goleman, D. (1995). Emotional Intelligence: Why It Can Matter More Than IQ. New York: Bantam Books.
34. Bok, S. (1999). Lying: Moral Choice in Public and Private Life. New York: Vintage Books.
35. Kant, I. (1993). Groundwork of the Metaphysics of Morals. M. Gregor, Trans. (Cambridge: Cambridge University Press).
36. Buber, M. (1958). I and Thou. R. G. Smith, Trans. (New York: Scribner).
37. Bonwell, C. C. & Eison, J. A. (1991). Active Learning: Creating Excitement in the Classroom. Washington, DC: George Washington University, School of Education and Human Development.
38. Tomlinson, C. A. (2001). How to Differentiate Instruction in Mixed-Ability Classrooms. Alexandria, VA: ASCD.
39. United Nations. (1948). Universal Declaration of Human Rights. Retrieved from
40. Forni, P. M. (2002). Choosing Civility: The Twenty-Five Rules of Considerate Conduct. New York: St. Martin's Press.
41. Mill, J. S. (1859). On Liberty. London: John Parker.
42. Sen, A. (1999). Development as Freedom. Oxford: Oxford University Press.

43. Rawls, J. (1971) .A Theory of Justice .Cambridge :Harvard University Press.
44. Ury ,W .(1991) .Getting to Yes :Negotiating Agreement Without Giving In .New York :Penguin Books.
45. Rosenberg ,M .B .(2003) .Nonviolent Communication :A Language of Life. Encinitas ,CA :PuddleDancer Press ,p.12 .
46. Nhat Hanh ,T .(2013) .The Art of Communicating .New York :HarperOne ,p.17 .
47. Bruner ,J .S .(1966) .Toward a Theory of Instruction .Harvard University Press.
48. Gardner ,H .(1983) .Frames of Mind :The Theory of Multiple Intelligences .Basic Books.
49. Vygotsky ,L .S .(1978) .Interaction between learning and development .In Mind in Society :The Development of Higher Psychological Processes) pp.(91-79 . Harvard University Press.

